

بسیاری از کارگران عسلویه که حتی قرارداد کار هم ندارند با اعتراض در «بلک لیست» قرار می گیرند و دیگر هیچ شرکتی در عسلویه و کنگان به آن ها کار نمی دهد.

اسارت در جنگ دیو چندسر پیمانکاران!



می گوید از کارگران پیمانکاری فاز ۱۳ پارس جنوبی است؛ از آنها که به امید کار تخصصی تر و درآمد بالاتر به عسلویه و کنگان رفته اند اما اسیر دیو چند سر پیمانکاران شده اند؛ پیمانکارانی که به گفته ناصر آقاجری (فعال کارگری پروژه ای) از وقتی پیشان به پارس جنوبی باز شده با سرعت نور تکثیر شده اند و حالا درخت تناور پیمانکاری در عسلویه، هزاران شاخه دارد....

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایلنا، آقاجری که سال ها ساکن عسلویه بوده کارگران پیمانکاری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله عسلویه را «بی حقوق ترین طیف کارگران متخصص» می نامد؛ چراکه به دلیل خروج از شمول قانون کار، نه اجازه ایجاد یکی از سه تشکل رسمی قانون کار را دارند و نه به آنها اجازه داده می شود که براساس مقاله نامه های بین المللی دست به تشکل یابی آزاد بزنند. او اخراج و بلک لیست کردن را تاوان اعتراض صنفی در عسلویه می داند؛ همان عسلویه ای که زمانی فارغ التحصیلان رشته های فنی از پایتخت و شهرهای بزرگ به آنجا می رفتند تا هم از حقوق کافی و شغل مناسب بهره مند باشند و هم بتوانند گامی در جهت سازندگی صنعتی کشور بردارند اما حالا به قول کارگر پیمانکاری فاز ۱۳، برای ۱۲ ساعت کار روزانه فقط ماهی ۲ میلیون تومان حقوق می گیرند!

### چاره ای جز سوختن و ساختن نداریم!

این کارگر که او را «الف» می نامیم -چراکه به دلیل ترس از همان اخراج و بلک لیست، نمی خواهد حتی نام کوچکش آورده شود- قصه اشتغال در پارس جنوبی و آنچه بر سرش آمده را اینگونه روایت می کند:

"وضعیت استخدام ما به این نحوه بود که ما گروهی بودیم که حدود برج ۱۰ سال قبل، از طریق اداره کار و اشتغال شهر کنگان، برای جذب اقدام کردیم؛ پس از اخذ مصاحبه، برای استخدام در یک شرکت معتبر به عنوان کارشناس (تاکید دارم کارشناس) قبول شدیم. بعد از تحویل مدارک، قرار شد با ما تماس بگیرند و روز آغاز به کار را به ما اطلاع بدهند که تماس نگرفتند تا حدود برج ۲ امسال. بعد از ورود به ما گفتند که ۳ ماه آموزشی هستید و فعلا شما زیر نظر شرکت دیگری به عنوان نیروی آموزشی فعالیت می کنید و بعد از اتمام دوره آموزشی، به همان شرکتی که برایش مصاحبه داده اید و قبول شده اید، بازمی گردید. بعد از گذشت ۳ ماه و رسیدن شهریور گفتند که آموزشی شما ۶ ماه بوده، نه ۳ ماه! پس از گذشت سه ماه دیگر، باز گفتند آموزشی شما ۸ ماه بوده! در نهایت ما به جای کارشناس در آن شرکتی که می خواستیم، شدیم تکنیسین آموزشی در یک شرکت ثالث! گفته اند بعد ۸ ماه، فقط ۱۰۰ هزار تومان افزایش حقوق خواهید گرفت و این یعنی مصیبت! تا اکنون هیچ کارانه و رفاهیات هم نگرفته ایم. نکته جالب می دانید چیست؟ اکثر ما، نیروهای بومی استان بوشهر هستیم که به این وضع مبتلا شده ایم؛ یعنی هیچ راهی جز ماندن و ساختن نداریم؛ در واقع سوختن و ساختن...."

"الف" کارگر متخصصی که مدرک کارشناسی فنی دارد، می گوید به امید جذب به عنوان کارشناس مصاحبه دادیم اما نصیب مان چه شد؟ شرکت های پیمانکاری، نیروهای انسانی را به هم پاس می دهند و هیچ حقی برای اعتراض نداریم؛ چه می شود کرد؟! ما کارگران مناطق ویژه ایم!

## از ساوجبلاغ در نزدیکی پایتخت تا بیرجند در خراسان جنوبی!

سال ۱۳۷۲ بود که اولین منطقه آزاد اقتصادی در کیش شکل گرفت؛ در برنامه اول، توسعه صادرات غیرنفتی به عنوان یک تصمیم قطعی مورد توجه قرار گرفت. در این راستا در سال ۱۳۶۸، تبصره ۱۹ برنامه اول توسعه، مبنی بر استقرار سه منطقه آزاد تجاری-صنعتی در کشور - در کیش، قشم و چابهار- مورد تصویب قرار گرفت. چگونگی اداره این مناطق در ۷ شهریور ۱۳۷۲ به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۷۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. از همین رو در سال ۱۳۷۲ اولین منطقه آزاد اقتصادی در کیش شکل گرفت و تا امروز مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به حدی گسترش یافته است که اکنون رد پای مناطق آزاد را همه جا می توان پی گرفت از ساوجبلاغ در نزدیکی پایتخت تا بیرجند در خراسان جنوبی!

ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، در راستای تلاش برای «آزادسازی» و «مقررات زدایی از بازار کار» صورت گرفته است و هدف هم تسهیل تجارت، صادرات و تولید بوده است؛ «ها چون چانگ» اقتصاددان برجسته توسعه از کره جنوبی، در یک کار تحقیقی، کل تجربه های آزادسازی اقتصادی در سطح جهان در قرن بیستم را مورد بررسی قرار می دهد و بعد به صورت تطبیقی عملکرد اقتصادی جهان را در مواقعی که کنترل و نظارت اعمال می شد با دوران هایی که آزادسازی اتفاق افتاده مقایسه می کند. در مجموع مشاهده او حکایت از این دارد که در مقیاس جهان همواره در دوران هایی که آزادسازی اتفاق افتاده، جهان شاهد رشد اقتصادی کمتر، توزیع ناعادلانه درآمدها و ثروت ها و تعداد بیشتر بحران های اقتصادی، اجتماعی و به ویژه بحران های بانکی بوده است.

## آزادسازی یا همان شکست سراسری فاجعه آمیز!

فرشاد مومنی (اقتصاددان) نیز در رابطه با تجربه ناموفق آزادسازی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و اصرار مسئولان برای تداوم این روند ناموفق می گوید:

"آزادسازی گرچه می تواند برای اقتصاد و جمعیت فجایی را به همراه داشته باشد اما برای یک اقلیتی چه در درون دولت و چه در بین بازیگران اقتصادی می تواند منافع کوتاه مدت قابل اعتنایی به همراه داشته باشد. در اینجا ما با یک مسئله جدید رو به رو هستیم و آن مسئله جدید هم این است که اینها در راستای منافع خود اقدام به دستکاری واقعیت ها می کنند؛ مسائل غیرمهم را مهم جلوه می دهند، واقعیت های محرز شده را پنهان می کنند و به شکل وارونه به نمایش می گذارند و روی سازه های ذهنی گروه های تصمیم گیر تاثیر می گذارند و بخشی از سود سرشار را صرف چنین کارهایی می کنند و کشور را گرفتار و مفلوک می کنند اما خودشان برخوردارهای غیرعادی پیدا می کنند. از نظر من در تجربه ایران هم بالاخره اگر قرار بود منافع ملی و حساب و کتاب در کار باشد بعد از بالغ بر ربع قرن، باید چشمی برای دیدن و گوشه ای برای شنیدن وجود داشت اما به واسطه آمیزه های از منافع گره خورده با سازه های ذهنی افرادی مشخص چنین اتفاقی در کشور ما نیفتاده و ما در عمل شاهد این هستیم که با وجود این شکست سراسری که هم فساد را در کشور ما افزایش داده و هم ناکارآمدی را افزایش داده است و مشوق واردات بوده است، بنیه تولیدی کشور را به شدت تضعیف کرده است؛ نیروی کار را تحت فشار مضاعف قرار داده و محمل و پوششی برای قاچاق و پولشویی بوده است. ولی باز وقتی می بینیم که اصرارهای غیرعادی برای تکرار این تجربه شکست خورده وجود دارد ما می توانیم به لحاظ فکری بگوییم آنهایی که به صورت صادقانه خیری در استمرار این وضعیت جستجو می کنند بازی خورده اند و یا آلت دست گروه های پرنفوذی هستند که ردگیری منافع آنها در نقطه مقابل منافع ملی قرار دارد."

این منافع به گفته ی ناصر آقاجری به دلیل خصیصه های منحصر به فرد پارس جنوبی برجسته تر نیز می شود؛ این فعال کارگری می گوید: پارس جنوبی یک منطقه پالایشگاهی است و محصولات آن سود ارزی زیادی نصیب کارفرمایان می کند؛ دقیقاً به همین دلیل است که در آنجا «آزادسازی» برای سودجویی، بیشتر به کار آمده و پیمانکاران ریز و درشت، رشد فاجعه گونه داشته اند.

## «بلک لیست» می دانید یعنی چی؟!

به گفته ی آقاجری، در عسلویه و کنگان، «سود» و «منافع» از آن کسانی است که پروژه ها را خرد می کنند و به وابستگان خود به صورت سلسله مراتبی واگذار می نمایند؛ در این بین با خروج از شمول قانون کار، نه بازرسان اداره کار و تامین اجتماعی را داریم و نه تشکلهای کارگری را؛ مثل یک «اردوگاه» می ماند؛ هرکس که به عسلویه می آید باید از قوانین خاص آن پیروی کند؛ نه بازرسی هست و نه نظارتی...

«الف» از وضعیت خود و همکاریانش بیشتر می گوید: بعضی از دوستان ما در واحدهایی شاغلند که با ۱۲ ساعت کار روزانه فقط ماهی ۲ تومان حقوق می گیرند، البته با مدرک لیسانس نفت و شیمی و ابزار دقیق و... و در مورد دقت و بهره وری در کار هم به شدت سختگیری اعمال می شود؛ از نظر پشتیبانی هم ما در منگنه قرار داریم؛ به طور مثال ما برج ۲، کفش و پیراهن گرفتیم، آنهم فقط یک عدد از هر کدام و تا الان اقلام جدیدی به ما داده نشده؛ تازه حق اعتراض هم نداریم؛ قراردادمات موقت است؛ در واقع خیلی از ما حتی قرارداد هم نداریم؛ همین که اعتراض کنیم «بلک لیست» می شویم؛ «بلک لیست» می دانید یعنی چی؟! یعنی نه تنها اخراج می شویم بلکه دیگر هیچ شرکتی در عسلویه و کنگان به ما کار نمی دهد...

برچسب ها: [حقوق کارگران](#) [1]

[فعالان کارگری](#) [2]

